

در جلسه شورای عالی هماهنگی اقتصادی صورت گرفت

تصویب کلیات سیاست‌های جدید ارزی

رئیس کل بانک مرکزی جزئیات بسته ارزی را فردا اعلام خواهد کرد

صفحه ۳

یکشنبه ۱۴ مرداد ۱۳۹۷ ۲۲ ذی‌القعده ۱۴۳۹ ۵ آگوست ۲۰۱۸ سال دهم شماره ۲۵۰۲ صفحه ۱۶ تومان

روزنامه صبح ایران



VATANEMROOZ.IR

گفت‌وگوی «وطن امروز» با کابرایان کریمی درباره آخرین تحولات یمن

جنگ نقشه‌ها بر سر عروس دریای سرخ

بررسی اختلافات راهبردی عربستان و امارات در یمن

صفحه ۱۵

یکشنبه ۱۴ مرداد ۱۳۹۷ ۲۲ ذی‌القعده ۱۴۳۹ ۵ آگوست ۲۰۱۸ سال دهم شماره ۲۵۰۲ صفحه ۱۶ تومان

تیتراهای امروز

همراهی اروپا با راهبرد ترامپ جهت آشوب در ایران هم‌زمان با مذاکرات هسته‌ای!

پاریس شهر منافقین

صفحه ۲

خداحافظی احمد عراقچی از ساختمان میرداماد

معاون ارزی بانک مرکزی برکنار شد

صفحه ۳

«وطن امروز» گزارش می‌دهد

سرانجام مبهم بازنشستگان در شهرداری تهران

صفحه ۴

گفت‌وگوی «وطن امروز» با سهیل کریمی کارگردان مستند «خم پیوار»

به بهانه سالروز شهادت سیدعارف حسینی

پاراچنار را با عارف حسینی شناختم

صفحه ۱۳

کره‌شمالی تأسیسات اتمی خود را تعطیل نکرده است

«کیش پنهان»

اون به ترامپ

صفحه ۱۵

نگاه

چه خواهد شد؟!

- حسین قدیانی

این روزها پرسش بالا را خیلی‌ها از خیلی‌ها می‌پرسند اما اساس این سوال، ریشه در ۲ ضعف ذاتی ادبی دارد: ترس و پانس! ترس و پانس اما همان مکر ابلیس است تا مؤمنین و مؤمنات را بیندازد در منجلاب سرخوردگی! پس اولاً مراقب نقشه شیطان باشیم و ثانیاً خدا را و این همه لطف و مدد الهی را فراموش نکنیم! واقعیت آن است که اول بار نیست که متآثر از خیانت دشمن و خیانت دشمن دوست و بلاهت دوست، گاه از خود می‌پرسیم «چه خواهد شد؟!» خوب است که یاد آوریم دیروز و دیروزها را! اولین ساعات روز ۱۲ بهمن ۵۷ که هنوز مطمئن نبودیم از آمدن امام، مگر نپرسیدیم «چه خواهد شد؟!» و حتی بعد از نشستن پرواز انقلاب، مگر باز نپرسیدیم «چه خواهد شد؟!» آری! این سوال آشنای ما بندگان ضعیف است، وقتی که تحریم شدیم، وقتی که تهدید شدیم و وقتی که رسماً جنگ شد! «چه خواهد شد؟!» روز سقوط خرمشهر؛ «چه خواهد شد؟!» شب شکست کربلای ۴؛ «چه خواهد شد؟!» فتنه ۱۸ تیر؛ «چه خواهد شد؟!» فتنه بزرگ‌تر ۸۸ «چه خواهد شد؟!»

اولی اما ختم شد به سبوم خرداد و دومی به کربلای ۵ و سومی به یوم‌الله ۲۳ تیر و چهارمی هم به یوم‌العبار ۹ عی‌ما در ورای جنگ تحمیلی، با وجود همه حضورمان، درگیری «چه خواهد شد؟!» شدید اما خدای بالاسر، از جنگ، گنج ساخت تا محسن وزوایی خودی نشان دهد! تا هر آنکه مرد است، عبار خودش را ببرد بالاتر! آیا بدون جنگ، باز هم آن دانشجوی پرشر و شور اصفهانی می‌توانست محمود شهبازی شود؟! اگر ما بندگان ضعیف هستیم، دلیل نمی‌شود خدا قادر نباشد از پیله کرم ابریشم، پروانه بسازد! «جنگ» پیله کرم ابریشم بود و «شهید ابراهیم هادی» پروانه! «ما عرضه نداریم» پیله کرم ابریشم بود و «شهید مجید شهریاری» پروانه! بلاشک بدترین جای دنیا برای زنده ماندن موسی، کاخ فرعون بود لیکن بنگر قدرت خدا را و حکمت خدا را که کلیم‌الله را عدل در همان کاخ فرعون بزرگ کرد! در شبی از شب‌های جبهه، تمام زحمات ارون و والفجر ۸ داشت به فنا می‌رفت اما خدا با رساندن یک بولدورچی روسستانی به نام «شهید علی‌اشرف مظاهری» ورق معر که را به نفع رزمندگان اسلام برگرداند! ترس از جنود شیطان است و پانس هم اما ما را امامی بود خداپاور که وقتی جنگ شد، آن را تشبیه به سنگ‌اندازی دیوانه‌ای کرد و...

ادامه در صفحه ۵

باوجود تلاش دولتی‌ها برای لغو سؤال از رئیس جمهور

نمایندگان با استناد به «وطن امروز» گفتند کاهش امضاها پس از اعلام وصول، طرح سؤال را از دستور کار خارج نمی‌کند

زیر علامت سؤال

نمایندگان مجلس در گفت‌وگو با «وطن امروز»:

طرح سؤال از روحانی حتی با یک امضا هم اجرایی می‌شود

صفحه ۲



گزارش «وطن امروز» از انفعال گروه‌های ضدانقلاب در سناریوی جدید آمریکا

موج سواری بر شکاف درون تشکیلاتی

گزارش امروز

حسن حنیف: به زعم برخی

آمریکا پرستان داخلی اگر اقدام آمریکا در کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ را به عنوان سندی جدی در کارنامه دشمنی آنها با مردم ایران در نظر بگیریم، باید به آغاز تقابل واشنگتن با ملت ایران از بدو پیروزی انقلاب اشاره داشت؛ موضوعی که با مهندسی سرویس اطلاعاتی این کشور و هدایت برخی عوامل آن در ایران به دروغ به دوران پس از فتح لانه جاسوسی نسبت داده می‌شود و همواره به دنبال القای چنین دروغی به عنوان یک واقعیت غیرقابل انکار در ایران بودند؛ دروغی که دنبال این مساله است تا به نسل‌های بعدی انقلاب اینگونه القا کند که آمریکا تا زمان اشغال سفارت خود در تهران هیچ مشکلی با ایران نداشته و حتی دایه مهربان‌تر از مادر برای مردم ایران بوده است. این در حالی است که اگر نگاهی اجمالی به اقدامات واشنگتن در قبال تهران و انقلاب اسلامی از بدو پیروزی در بهمن ۵۷ داشته باشیم، به روشنی می‌توان موضوع غلغله‌های خلقی در ایران را از گنبد تا خوزستان و بلوچستان و مهم‌تر از همه کردستان مشاهده کرد؛ مساله‌ای که برخلاف واقع، به دلیل ماهیت چپ برخی گروه‌ها به شوری نسبت داده شده است.

سرن واشنگتن و آژانس اطلاعات مرکزی آمریکا به دلیل نفوذ سنگین در ایران و ارتباط با عناصر سواک، توانستند ارتباط و اشراف قابل توجهی بر برخی گروه‌های مسلح داشته باشند موضوع قابل توجه، نوع برخورد واشنگتن از شهریور ۵۹ و آغاز تجاوز سراسری بین‌المللی به ایران به سرکردگی رژیم بعث صدام است؛ جنگی که آغاز آن نه تنها باعث ورود مستقیم آمریکا در تحمیل جنایات مختلف به ملت ایران شد، بلکه مناسبات سرویس جاسوسی این کشور با برخی گروه‌های داخلی از جمله سازمان منافقین را دستخوش تغییرات زیادی کرد.

آژانس اطلاعات مرکزی آمریکا با آغاز جنگ تحمیلی مأموریت مهمی را در قبال ایران در دستور کار خود قرار داد و آن شکل‌گیری ستادی با مرکزیت اپوزیسیون و همچنین تقابل تشکیلاتی گروه‌های معاند و تروریست در قالب یک مجموعه ساختارمند در بستر سیاسی و امنیتی بود. انتقال رجوی و اجرای عملیات‌های تروریستی منافقین در ایران نخستین قدم در اجرای این سناریوی آمریکا به شمار می‌رود که در نهایت با فراری دادن رجوسی از ایران و شکل‌گیری قرارگاه «پرسرواوا» در پاریس و همچنین ایجاد اشراف

دیدگاه

حالا در سال ۲۰۱۸ درباره مذاکره ایران و آمریکا چه می‌توان گفت؟! خوشبینانه این است بگویم در شرایط حاضر بعید است حتی حرفی هم از مذاکره به میان آید. ما الساعه چنان از همان مذاکره قبلی با آمریکایی‌ها داغ دیده‌ایم که منطقالاً از این خروج باید از ریسمان سیاه و سفید هم بترسیم، بویژه آنکه طرف مذاکره قبلی اوبامای ظاهرالصلاح بود. اکنون اما اسکان مدیریت آمریکا دست فردی است که کمترین پایبندی به هیچ موازین اخلاقی، عرفی، سیاسی، بین‌المللی و در یک کلام؛ هیچ چیز ندارد. این اما تمام ماجرا نیست. ترامپ دقیقاً از همان زمانی که امضایش را پای برگه خروج آمریکا از برجام می‌انداخت، باطمینان بالایی از این حرف می‌زد که آنها (ایرانی‌ها) یک روز برای مذاکره بازخواهند گشت؛ ترامپ بخریبی می‌داند آنچه تداوم حضورش در کاخ سفید را در سال ۲۰۲۰ تضمین می‌کند، تنها اقتصاد نخواهد بود. ترامپ به دلیل حواشی خاص زندگی شخصی، جفت و بست نداشتن دهانش، اتهام به اینکه مهره دلخواه روس‌هاست، خروج از برجام، امضای قوانین مهاجرتی و حواشی دیگری که طبعاً از این پس نیز به وسیله خود او و رقبایش ایجاد خواهد شد، چهره مورد مناقشه‌ای در جامعه آمریکاست. چنانکه قابل تصور است، ترامپ برای این بخش از پازل موفقیتش در ۲۰۲۰ هم برنامه مفصلی ریخته است. شروع مذاکرات هسته‌ای با کره‌شمالی، آزاد کردن گروه‌های آمریکایی از این کشور بدون پرداخت حتی یک سنت پول، بازگرداندن بقایای اجساد سربازان آمریکایی جنگ کره از کره‌شمالی و تخریب داوطلبانه سایت آزمایشات هسته‌ای کره‌شمالی، واقعیتی است که می‌تواند به بهبود وجهه ترامپ در جامعه آمریکا بینجامد. ترامپ به‌جد معتقد است سیاست خارجی او از اوبامایی که برای بازگرداندن جاسوسان آمریکایی از ایران، حاضر به پرداخت ۱/۸ میلیارد دلار به ایرانی‌ها شده، قوی‌تر است.

هر چند افتراق گروه‌های اپوزیسیون، ناتوانی و اساساً نگاه درآمدزایی اکثر قریب به اتفاق آنها در موضوع دشمنی با ایران کار آمریکا را بسیار سخت کرده اما وی سعی می‌کند از میان این جریان‌ها به تولید و تعیین یک اترناتیو برای نظام ایران دست یابد که بخشی از پروژه اعمال فشار بر جمهوری اسلامی به شمار می‌رود. حضور پمپئو در جلسه اخیر ضدانقلاب در لس‌آنجلس نشان داد وی سعی می‌کند به جریانات برانداز رسمیت بخشد و همین اکنون را برای شروع بازی موش و گربه

ادامه در صفحه ۵

یادداشت امروز

ما مسؤولیم!

- میکائیل دبانی

«گفت: وضع چرا روز به روز بدتر می‌شود؟ گفت: دلایل متعددی دارد؛ دولت، مجلس، تصمیم‌های غلط، کار نکردن‌ها و...

گفت: این دولت که دیگر شورش را درآورد! گفت: حاج موسی! پارسال به کی رأی دادی؟ گفت: غلط کردم را بسرای همین موقع‌ها گذاشتن!

گفتم: دور از جان! ولی خب، این انتخاب نتیجه‌هایی هم دارد اما درستش این نیست که بگویی غلط کردم، باید نظارت کنی و خواسته‌هایت و شعارها و وعده‌هایت را مطالبه کنی!«

اخیرا در یک جمع خانوادگی حضور داشتم، این دیالوگی است بین من و یکی از اقوام که از قضا بازاری است. او از جمله افرادی است که منصفانه نگاه می‌کند و حاضر به پذیرش انتخاب اشتباه خود است؛ اگرچه انتخابش تحت تأثیر جوسازی‌های روانی و دروغین عده‌ای بوده که در ادامه به آن هم می‌رسیم.

رأی‌دهندگان به روحانی را می‌توان به چندین بخش تقسیم کرد؛ عده‌ای که اینگونه در جو قرار گرفته‌اند و به روحانی رأی داده‌اند، گروهی که از ترس رقیب روحانی به او رأی داده‌اند، گروهی که با این پیش‌فرض که روحانی گزینه مطلوب نظام نیست به روحانی رأی داده‌اند و حالا دارند فحش ناکارآمدی‌ها را نثار نظام می‌کنند! و گروهی که روحانی را می‌شناختند و ناکارآمدی‌هایش را دیده بودند اما نه‌تنها به روحانی رأی دادند بلکه در جایگاه مرجعیت سیاسی، فرهنگی و اجتماعی قرار داشتند و مردم را نیز دعوت کردند به این «درختی که ۴ سال ثمر نداده» دوباره رأی دهند.

این را باید مفروض بگیریم که «هر چه انتخاب کنید برای خودتان انتخاب کرده‌اید؛ انتخاب خوب شما به خود شما برمی‌گردد و اگر انتخاب با غفلت انجام بدهید که انتخاب بدی از آب و از کار دربیاید، بدی‌اش به شما برمی‌گردد؛ خاصیت کار این است. با اختیار و با اراده دارید یک اقدامی را انجام می‌دهید، سعی کنید کار را درست انجام بدهید. اگر درست و با دقت انجام دادید، ۲ فایده می‌یرد: اولاً خدای متعال از شما راضی می‌شود که کار را درست انجام داده‌اید؛ ثانیاً نتیجه کار به احتمال زیاد نتیجه درست خواهد بود». (۹۴/۱۲/۵) / بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار مردم نجف‌آباد)

در نظام جمهوری اسلامی که تجمع قدرت در قوه مجریه است و مرکز نقل کارآمدی این قوه است، انتخاب مجریان به مردم واگذار شده است؛ اگرچه باقی دستگاه‌ها از مجلس و خبرگان و... هم به انتخاب مردم خواهد بود ولی اهمیت قوه مجریه به‌خاطر همان تجمع قدرت مهم‌تر به چشم می‌آید و مردم اگر در انتخاب‌شان دقت کنند، طبیعتاً پس از انتخاباتی راضی‌تر خواهند بود اما این انتخاب غلط به معنای نخطئه آنها نیست و همه در این میان به یک اندازه مقصر نیستند.

این گزاره که «رمدمی‌که به روحانی رأی داده‌اند، مسؤول وضع موجودند و حق ندارند اعتراض کنند» گزاره‌ای است که نصف درست است و نصف غلط! درست آن است که «چه مردمی که به روحانی رأی داده‌اند و چه آنهایی که رأی نداده‌اند، نسبت به رأی‌شان مسؤولند اما به واسطه همین مسؤولیت، حق اعتراض بلکه وظیفه اعتراض و مطالبه دارند.»

در تقسیم‌بندی، آنهایی را که با اعتقاد به اینکه «روحانی گزینه مطلوب نظام نیست پس به او رأی بدهیم» رأی داده‌اند و حالا از نظام طلبکار هستند، اصلاً نباید در تحلیل‌ها بیابوریم، چون رفتارشان به هیچ‌وجه قابل تحلیل عقلانی و منطقی نیست. به آنهایی که از سر جو روانی و اشتباه و به واسطه فریبکاری دیگران انتخابی اشتباه داشته‌اند نیز باید گفت امروز فرصت نظارت و مطالبه وعده‌ها و خواسته‌هاست و فردا زمانی است که دیگر نباید دوباره اشتباه کرد و با انتخاب غلط ۴ سال سرنوشت خود و جامعه را به بیراهه کشاند! در این میان از آنهایی باید انتقاد کرد که مرجعیت سیاسی، فرهنگی و اجتماعی داشتند و مردم را دعوت کردند تا روحانی را دوباره تکرار کنند. به سیاسیونی که قسم می‌خوردند دوران روحانی دوران موفقی بوده است و حالا در پستو مخفی شده‌اند باید خرده بگیریم که چرا آن روز چشم بر این همه ناکارآمدی بستید و مردم را فریب دادید؟!

ادامه در صفحه ۵